



طرح‌ها: روشنگ روزبهانی

دیگر ساکت نمی‌مانیم

زنان مدافع حقوق بشر در شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا از خشونت جنسی ماموران امنیتی حکومتی می‌گویند

یک: مقدمه

مبارزات زنان برای آزادی و برابری، بخش پرشور و درخشان هر جنبش اجتماعی خواهان تحول و عدالت را تشکیل می‌دهد. زنان مدافع حقوق بشر، به عنوان کنشگرانی که شجاعانه برای دفاع از حقوق خود و دیگران تلاش می‌کنند، همواره در خط مقدم این مبارزات بوده‌اند. بسیاری از این زنان در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا، مبارزه را از درون خانه‌هایشان آغاز می‌کنند، از عرصه خصوصی که پدرسالاری آن‌ها را به این حوزه رانده و تنزل می‌دهد. آن‌ها در تلاش برای تغییر زندگی خود و دیگر زنان خانواده‌شان، هنجارها، قوانین و سنت‌های موجود در عرصه خصوصی را به چالش می‌کشند که زنان را در موقعیت سلطه‌پذیر و فرودست قرار می‌دهد. آن‌ها سپس با ورود به عرصه کنشگری، مبارزه‌شان را به عرصه عمومی و بیرون از چارچوب خانه‌هایشان هم می‌کشاند، آگاهی‌رسانی می‌کنند، و دیگر زنان را نیز تشویق می‌کنند تا در مبارزه با خشونت علیه زنان، آزار و اذیت جنسی و سایر اشکال ستم که زنان را تحت انقیاد درمی‌آورد، به آن‌ها بپیوندند.

زنان مدافع حقوق بشر در شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا، در مبارزه‌شان برای حقوق و برابری نه فقط باید با پدرسالاری، بلکه با اقتدارگرایی، نظامی‌گری، اشغال، بنیادگرایی و نئولیبرالیسم اقتصادی مبارزه کنند. در عوض، رژیم‌های غیردموکراتیکی که قدرت را در دست دارند و حافظ وضعیت موجود هستند، از همه ابزار و شیوه‌هایی که در اختیار دارند برای ساکت کردن و به حاشیه راندن زنان مدافع حقوق بشر و حفظ اقتدار خودشان و کنترل این زنان استفاده می‌کنند. از آن جایی که زنان در نتیجه جنبش‌های فمینیستی و برابری خواهانه نسبت به حقوق خود آگاه شده‌اند، مطالبات‌شان برای تغییر ساختارهای تبعیض‌آمیز قوی‌تر شده است، و به تبع آن، فشار سیستم‌های امنیتی و قضایی رژیم‌های استبدادی منطقه نیز بر زنان مدافع حقوق بشر افزایش یافته است.

زنان مدافع حقوق بشر که برای ارتقای حقوق، مقابله با آزار و حذف خشونت علیه زنان فعالیت می‌کنند، خود در معرض خشونت‌های بی‌شماری قرار دارند، از احضار و بازجویی‌های مکرر، آزار و اذیت قضایی، و ممنوع‌الخروجی گرفته تا محدودیت و ممنوعیت از فعالیت‌های مدنی و اجتماعی، بازداشت موقت، و حبس. جای تعجب نیست که سیستم‌های قضایی و امنیتی، در تلاش برای این که زنان مدافع حقوق بشر را بی‌اعتبار کنند، وادارشان کنند دست از فعالیت بردارند، و یا برای مجازات و تنبیه آنان به آزار و اذیت، آزارهای جنسی، ارباب، و حتی تجاوز متوسل می‌شوند.

این گزارش بر مبنای تحقیقی است که فمنا در ده کشور منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا انجام داده است تا اشکال مختلف آزار و اذیت جنسی علیه زنان مدافع حقوق بشر را طبقه‌بندی و مستند، و تأثیرات این آزارها را بر سلامت جسمی و روانی آنان مطرح و برجسته کند.

این گزارش همچنین به تشریح چالش‌هایی می‌پردازد که زنان مدافع حقوق بشر با آن مواجه هستند. برغم این چالش‌ها، زنان مدافع حقوق بشر توانسته‌اند نقش‌شان را در این کشورها بسط و گسترش دهند و همین موضوع منجر به افزایش واکنش سیستم‌های قضایی و امنیتی شده است که گستره‌ای از اتهامات مرتبط با امنیت، تروریسم، و دیگر موارد را علیه زنان مدافع حقوق بشر به کار می‌گیرند. این گزارش با استناد به مصاحبه‌های انجام شده، مجموعه توصیه‌هایی را ارائه می‌کند تا زنان مدافع بشر که به دلیل تلاش‌هایشان برای ارتقای حقوق زنان با خشونت جنسی مواجه می‌شوند، حمایت‌های بهتری از سوی مجموعه‌ای از بازیگران و نقش‌آفرینان محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دریافت کنند.

دو: متدولوژی

این گزارش بر اساس مصاحبه‌های عمیق با بیست و یک زن مدافع حقوق بشر تهیه شده است که اشکال مختلف آزار و اذیت جنسی و یا خشونت را از سوی مأموران امنیتی و یا عوامل و مقامات زندان در حین بازجویی، بازداشت، و دوران حبس تجربه کرده بودند. زنان مصاحبه‌شونده از کشورهای افغانستان، ایران، امارات متحده عربی، بحرین، سودان، سوریه، عربستان سعودی، فلسطین، مصر و یمن هستند. در عربستان، این مصاحبه با یکی از اعضای خانواده و در امارات متحده با یکی از سازمان‌های حقوق بشری مطلع و پیگیر پرونده انجام شده است، چون زنان مدافع حقوق بشر اماراتی مورد استناد در این گزارش همچنان در زندان به سر می‌برند. همچنین برای تهیه این گزارش علاوه بر مرور تحقیق‌ها و گزارش‌های موجود، با کارشناسانی از سازمان‌های حقوق بشری منطقه‌ای و بین‌المللی مصاحبه شده است که موارد آزار جنسی زنان زندانی، از جمله زنان مدافع حقوق بشر، را ثبت

و مستند کرده‌اند. این گزارش همچنین بر اساس یافته‌های فمناست که از طریق تعامل با زنان مدافع حقوق بشر در منطقه به دست آمده است؛ در جریان اقدامات و تلاش‌های فمنا برای حمایت از زنان مدافع حقوق بشر در معرض خطر و یا تهدید، آنان با اعتماد به اعضای تیم فمنا، تجربیات‌شان از آزار جنسی و خشونت در طول بازجویی‌ها، بازداشت و یا دوران حبس را به اشتراک گذاشتند.

مصاحبه‌ها از طریق ابزار ارتباطی امن و با رضایت مصاحبه‌شوندگان انجام شده است. کلیه مصاحبه‌شوندگان در جریان هدف مصاحبه قرار گرفتند، و نحوه استفاده از اطلاعات به آن‌ها توضیح داده شد. مصاحبه‌شوندگان می‌دانستند که در هر زمانی که بخواهند می‌توانند به مصاحبه پایان دهند.

بسیاری از زنان مصاحبه‌شونده، حتی آنانی که بعد از آزادی از آزارگران شکایت کرده بودند، به دلیل نگرانی‌های امنیتی برای خود و یا اعضای خانواده‌شان، ترجیح می‌دهند که به صورت علنی درباره آزارهایی که در دوران بازداشت تجربه کرده‌اند، صحبت نکنند. به همین دلیل برای کلیه مصاحبه‌شوندگان از اسامی مستعاری استفاده شده است که هیچ ارتباطی با هویت واقعی آن‌ها ندارد. مصاحبه‌ها به شیوه نیمه‌ساختاریافته و با هم‌فکری و مشورت با تعدادی از کارشناسان، با رویکرد آگاه به تروما انجام شده‌اند، تا ریسک تروما و آسیب مجدد در مصاحبه‌شوندگان بر اثر بازگویی تجربیات‌شان به حداقل برسد. برخی از مصاحبه‌شوندگان تمایل و آمادگی‌اش را داشتند که تجربیات‌شان را با ذکر جزئیات به اشتراک بگذارند و برخی ترجیح می‌دادند وارد جزئیات دردناک تجربه‌هایشان نشوند. روند انجام این تحقیق و بررسی و تحلیل مصاحبه‌ها توسط تیم فمنا صورت گرفته است که خودشان به عنوان زنان مدافع حقوق بشر، تجربیات مشابهی با نیروهای امنیتی داشته‌اند.

برای انجام این تحقیق، در وهله اول به سراغ فعالانی رفتیم که در سال‌های اخیر بازداشت شده بودند و به صورت مستقیم در جریان تجربه‌شان بودیم. سپس از طریق دیگر سازمان‌ها، وکلا و اعضای جنبش توانستیم با سایر مدافعان حقوق زنان بازداشت‌شده که تجربیات مشابهی را از سرگذرانده بودند، ارتباط برقرار کنیم. ذکر این نکته ضروری است که برای رعایت بی‌طرفی و امانت‌داری، هیچ دخل و تصرفی در تجربیات مصاحبه‌شوندگان صورت نگرفته است، اما در جزئیاتی که ممکن است باعث شناسایی فرد شود، تغییرات کوچکی صورت گرفته است.

سه: نقش‌های در حال گسترش زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا

زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا، عموماً باید با تبعیض و خشونت در زندگی شخصی خود مبارزه کنند و هم‌زمان با تبعیض‌های کلان ساختاری اجتماعی و حقوقی مواجهند. برای بسیاری از زنان مدافع حقوق بشر، تجربه‌های تبعیض و خشونت در زندگی خصوصی و شخصی است که آن‌ها را تشویق به فعالیت سیاسی و اجتماعی می‌کند. بسیاری از این فعالان، با هدف تغییر ادهان شهروندان و سیاست‌گذاران، و تغییر سیستم‌ها و ساختارهای ظلم و ستم، و مبارزه با اشکال متعدد خشونت علیه زنان و دختران وارد عرصه کنشگری می‌شوند.

درواقع، جلوگیری از خشونت جنسیتی یکی از فعالیت‌ها و مشغله‌های اصلی زنان مدافع حقوق بشر در منطقه است، چه از طریق آموزش دادن به مردم و قانون‌گذاران و یا اصلاح قوانین و تلاش و ترویج‌گری برای بهبود سازوکارهای حمایت از زنان. این زنان مدافع حقوق بشر می‌کوشند تا تمهیدات قانونی حمایتی شامل حال زنانی شود که با خشونت خانگی/خانوادگی مواجهند، خانه‌های امن راه‌اندازی کنند، از ازدواج‌های زودهنگام جلوگیری کنند، مثله‌سازی جنسی زنان و زن‌کشی ناموس‌محور را متوقف کنند. آن‌ها نه‌تنها برای بازماندگان خشونت خدمات حمایتی فراهم می‌کنند، بلکه به آگاهی‌افزایی می‌پردازند، و با افراد اجتماعات خود کار می‌کنند تا رفتارها و باورهایی را که به فرهنگ خشونت علیه زنان دامن می‌زند، از بین ببرند. زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا، هم‌چنین برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز در حوزه خانواده و قوانین مجازات تلاش می‌کنند و به زنان در معرض تبعیض، خدمات حمایتی از جمله مشاوره حقوقی برای طلاق و یا حضانت فرزندان ارائه می‌دهند.

زنان جوان‌تر مدافع حقوق بشر نیز به‌طور روزافزون مشغول کنشگری در زمینه ترویج سلامت جنسی و باروری و حمایت از خودمختاری بدنی می‌شوند، از جمله ترویج‌گری برای حقوق افراد LGBTQIA، اگرچه باتوجه به ماهیت محافظه‌کارانه برخی از جوامعی که این کنشگران در آن‌ها فعالند، چنین فعالیت‌های حساس و حساسیت‌برانگیزی ممکن است به صورت غیرعلنی و یا کم‌تر علنی باشند.

زنان مدافع حقوق بشر همچنان تلاش می‌کنند تا تمامی زنان و دختران به فرصت‌های برابر دسترسی داشته باشند، از جمله دسترسی به آموزش، شرایط اقتصادی مناسب (به‌ویژه برای زنان متعلق به اجتماعات به حاشیه رانده‌شده یا زنان سرپرست خانوار)، دسترسی به فضای عمومی، دسترسی به مشارکت سیاسی از جمله حضور در عرصه تصمیم‌گیری و سمت‌ها و مناصب عالی سیاسی.

در حالی که منازعات در منطقه افزایش می‌یابد، زنان مدافع حقوق بشر هم بیشتر برای حل و فصل منازعات و دست‌ورکار «زنان، صلح و امنیت» به عنوان میانجی‌گر و صلح‌ساز تلاش می‌کنند. علاوه بر این، زنان مدافع حقوق بشر، روز به روز بیشتر به کنشگری در حوزه حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از تغییرات اقلیمی روی می‌آورند. در راستای این هدف، آن‌ها عموماً در رویارویی با منافع دولتی یا شرکت‌های بزرگ قرار می‌گیرند تا از اجتماعات به حاشیه رانده‌شده‌ای حمایت کنند که بیشترین آسیب را از تخریب محیط‌زیست متحمل می‌شوند. زنان مدافع حقوق بشر در حوزه‌های سنتی فعالیت حقوق بشری نیز مشارکت دارند که بر آزادی بیان و تجمعات، حقوق سیاسی، دموکراسی‌سازی و حقوق مذهبی و اتنیکی متمرکز است.

زنان مدافع حقوق بشر در سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های اجتماعات محور به عنوان روزنامه‌نگار، معلم، عضو سندیکا، عضو اتحادیه، وکیل حقوق بشر و سیاست‌مدار فعالیت می‌کنند. با توجه به فضای رو به تقلیل یا بسته حوزه مدنی و محدودیت‌های اعمال‌شده بر عرصه کنشگری مدنی توسط دولت‌ها، بسیاری از مدافعان حقوق بشر در سازمان‌ها و گروه‌های غیررسمی محلی و ثبت‌نشده فعالیت می‌کنند که این موضوع موجب می‌شود در برابر اقدامات قضایی دولتی آسیب‌پذیرتر شوند.

درواقع، همچنان که نقش‌های زنان مدافع حقوق بشر و حوزه‌های کنشگری‌شان گسترش پیدا می‌کند و اثرگذاری‌شان رویت‌پذیرتر می‌شود، به همان نسبت مورد هدف خشونت دولتی و غیردولتی قرار می‌گیرند. زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا، در نتیجه تلاش برای ارتقای حقوق بشر، علاوه بر تحمل خشونت‌ها و نقض حقوقی که مردان فعال متحمل می‌شوند، با آزار و خشونت جنسی، از آزارهای کلامی گرفته تا تعرض جنسی، هم مواجهند.

چهار: چالش‌های زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا

زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا در یکی از چالش‌برانگیزترین محیط‌ها فعالیت می‌کنند و با طیفی از موانع مواجهند که آزادی عمل‌شان و امکان ترویج‌گری برای حقوق بشر را محدود می‌کند. به رسمیت شناختن بستر دشواری که فعالان منطقه در آن اقدام به کنشگری می‌کنند مهم است، نه تنها برای فهم بهتر موانعی که پیش روی آن‌هاست، بلکه برای کسب آگاهی عمیق‌تری نسبت به دلایل اعمال خشونت‌های جنسی مبتنی بر جنسیت به مثابه ابزار سرکوب علیه کنشگران زن. به لحاظ سیاسی، اقتدارگرایی و فضای سیاسی بسته از ویژگی‌های اولیه کشورهای منطقه است که نه تنها حقوق افراد مدافع حقوق بشر را محدود می‌کند، بلکه محدودیت‌های قانونی بسیاری را بر راه‌اندازی سازمان‌های غیردولتی و فعالیت آن‌ها اعمال می‌کند. آزادی رسانه با بیشترین شدت ممکن سرکوب و محدود می‌شود، حقوق مربوط به ایجاد اجتماعات و انجمن‌ها محدود می‌شود، قوانین مربوط به امنیت ملی با تعاریف مبهم و وسیع، دستاویز طرح اتهامات سیاسی علیه مدافعان حقوق بشر و محاکمه‌شان قرار می‌گیرد، تا آن‌ها را از فعالیت سیاسی و اجتماعی منصرف کند.

علاوه بر این‌ها، برخی از کشورهای منطقه در میانه درگیری نظامی یا در دوران گذار پس از منازعه به سر می‌برند. این شرایط نه تنها امنیت فیزیکی مدافعان حقوق بشر را به مخاطره می‌اندازد، بلکه به این معناست که آن‌ها علاوه بر مقابله با دولت مرکزی کشورهای خود، باید با نیروهای دیگری چون گروه‌های شورشی مسلح، نظامیان، گروه‌های شبه‌نظامی و دیگر گروه‌های مسلح از جمله بنیادگرایان مذهبی نیز رویاروی شوند.

بی‌تردید، زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا، در برخی از نظامی‌شده‌ترین محیط‌های دنیا فعالیت می‌کنند؛ از مدافعان حقوق بشر در فلسطین گرفته که تحت اشغال نظامی قرار دارند تا برخی دیگر در کشورهایی چون سوریه و یمن که درگیری نظامی در آن‌ها همچنان فروکش نکرده است و همین‌طور در کشورهایی مانند مصر و ایران که امور سیاسی کشور تحت کنترل شدید نیروهای نظامی است. میلیتاریسم یا نظامی‌گری، دخالت و حضور نظامیان در زندگی شهروندان و ساختارهای تصمیم‌گیری را عادی‌سازی می‌کند و سلسله‌مراتب، عدم شفافیت و هنجارهای جنسیتی سفت و سخت به همراه دارد که زنان مدافع حقوق بشر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در جوامع نظامی‌شده، دولت‌ها عموماً منازعه، تهدید نظامی و اضطراب‌های

امنیتی را دستاویز ترویج و تصویب قوانین ضد تروریسم و دیگر قوانین اضطراری قرار می‌دهند که حقوق شهروندی را به تعلیق درمی‌آورد و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی را به شدت محدود می‌کند.

چالش دیگری که زنان مدافع حقوق بشر در منطقه با آن دست‌به‌گریبانند، رشد بنیادگرایی مذهبی و افراطی‌گری است، پروژه‌های سیاسی جدیدی که مذهب را به عنوان ابزاری برای کسب و حفظ قدرت به کار می‌بندد. جنبش‌های بنیادگرا، تلاش می‌کنند از طریق خوانش سلیقه‌ای و تفسیر متون مذهبی، کنترل و قدرت خود را اعمال کنند و یک هویت جمعی واحد و به‌زعم خود خالص و اصیل بسازند و به شهروندان تحمیل کنند. بنابراین، آن‌ها با تنوع و تکثر تفسیرها و خوانش‌ها از مذهب، و هرگونه قصور و کوتاهی در پیروی از سنت دینی دشمنی دارند. مخالفت و اختلاف عقیده برابر است با کفر و توهین به مقدسات و باید شدیداً مجازات شود. از بنیادگرایی مذهبی بویژه برای تعیین و تنظیم رفتار زنان استفاده می‌شود، این‌که زنان چطور لباس بپوشند، با چه کسی ازدواج کنند، آیا باید اجازه کار داشته باشند یا نه. این سنت‌ها بر ارزش نمادین زنان به مثابه حافظان و نگهبانان آبرو و ناموس خانواده و اجتماع تاکید دارند. هرزنی که از آن تخطی کند، بی‌آبرو است و مهم‌تر از آن خانواده و اجتماع خود را بی‌آبرو کرده است و مجازات می‌شود حتی از طریق مرگ. از گروه‌هایی چون داعش در سوریه و عراق، تا طالبان در افغانستان و حکومت دینی در ایران، بنیادگرایی مذهبی، مانعی سرسخت و قدرتمند در مسیر زنان مدافع حقوق بشر است.

در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا، اقتدارگرایی سیاسی، نظامی‌گری، و بنیادگرایی مذهبی، همگی به منافع مردسالاری یاری می‌رساند. ساختاری اجتماعی که مردان را به زنان ارجح می‌داند و امتیازات بیشتری برای آن‌ها قائل است، فضای عمومی و خصوصی را تفکیک می‌کند و نقش‌های عرصه خصوصی را که کم‌ارزش‌تر تلقی می‌شوند و حق و حقوقی ندارند به زنان اختصاص می‌دهد و از این طریق نابرابری را تولید و بازتولید می‌کند. مردسالاری، از طریق محدودسازی استقلال و خودمختاری زنان و توجیه خشونت به عنوان تنبیه مناسب برای زنانی که از حدود و هنجارهای اجتماعی فراتر رفته‌اند، تثبیت می‌شود. به همین دلیل است که دولت‌ها در این کشورها شدیداً از سوی زنان مدافع حقوق بشر و شیوه تخطی و سرپیچی این زنان از نظم مستقر، احساس تهدید می‌کنند و از خشونت و آزار جنسی به عنوان سلاحی علیه آن‌ها استفاده می‌کنند.

و در آخر، منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا، مانند بسیاری از دیگر نقاط دنیا، شاهد اجرای سیاست‌های نئولیبرال بوده است که بر رشد اقتصادی، آزادسازی اقتصاد ملی، خصوصی‌سازی خدمات عمومی و مقررات‌زدایی از بازار تمرکز داشته‌اند. نظم اقتصادی نئولیبرال، موجب تعمیق شکاف طبقاتی، تخریب محیط زیست و تشدید تنش اجتماعی و رقابت بر سر منابع شده است که عموماً الیت سیاسی و نظامی حاکم از آن منتفع می‌شوند. در چنین بستری، مبارزه برای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار حیاتی است و زنان مدافع حقوق بشر در خط مقدم و در محوریت این مبارزات قرار دارند.

پنج: اتهامات انتسابی به زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا

همان‌طور که ذکر شد، زنان مدافع حقوق بشر اغلب به نقش‌ها و مسئولیت‌های تعیین‌شده از سوی حکومت‌ها و جامعه محدود نمی‌مانند و از این مرزها فراتر می‌روند. در بستر مردسالارانه و اقتدارگرایانه کشورهای منطقه، زن ایده‌آل زنی مطیع است که وظیفه اصلی‌اش همسر و مادر بودن است. زنانی که انتخاب می‌کنند این نقش را نپذیرند، برغم همه تبعیض‌ها و سرکوب‌هایی که تجربه می‌کنند، تهدیدی برای نظام‌های منطقه هستند. آن‌ها به عنوان زنان «بد» در نظر گرفته می‌شوند و از جنسیت‌شان علیه آن‌ها استفاده می‌شود. فعالیت‌های مدنی مسالمت‌آمیز این زنان، دستاویزی برای انتساب گسترده‌ای از اتهامات به آن‌ها می‌شود. اتهامات وارده به زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا اغلب شامل این موارد می‌شود:

- جاسوسی
- ارتباط با دولت‌های غربی
- ارتباط با کشورهای متخاصم همسایه
- اقدام علیه امنیت ملی
- اتهامات تروریستی
- دریافت منابع مالی از کشورهای خارجی
- عضویت در سازمان‌ها و گروه‌های غیرقانونی
- تبانی علیه منافع کشور
- پروپاگاندا و اشاعه اطلاعات نادرست

- تخریب وجهه و اعتبار کشور
- توهین به رهبران و مقامات دولتی
- روابط شخصی غیر اخلاقی و نامناسب
- تضعیف ارزش‌های خانواده
- ترویج فحشا و بی‌بندوباری
- ترویج انحطاط و اندیشه‌های غربی

این اتهامات سنگین اغلب به دلیل انجام اقدامات ساده و حتی خیریه‌ای، مشارکت در فعالیت‌های اجتماع‌محور، و یا صرفاً برای بیان نظرات‌شان، از جمله اظهارنظر در شبکه‌های اجتماعی، به زنان مدافع حقوق بشر نسبت داده می‌شود. یکی از مدافعان حقوق بشر اماراتی که مطلع و پیگیر پرونده امینا عبدالهی و مریم البلوشی است، در مصاحبه با فمنا می‌گوید که امینا به دلیل کمک مالی به یک خانواده سوری به اتهام «حمایت از تروریسم»، و مریم به دلیل انتشار یک توییت در حمایت از بهار عربی به اتهام تخطی از قوانین ملی بازداشت شدند. هر دوی آن‌ها از سال ۲۰۱۵ تاکنون در زندان به سر می‌برند.

دیما از سوریه می‌گوید: «بازجوها می‌خواستند منابع مالی و روابط بین‌المللی ما را با کشورهای دیگر بدانند و این‌که چه اقداماتی داریم علیه رژیم می‌کنیم.»

رشا از یمن می‌گوید که بازجو مدام بر سرش فریاد می‌زده است که «خودتان را به سعودی فروخته‌اید.» رزا از ایران توضیح می‌دهد که بازجوهایش اصرار داشتند که فعالیت‌های فمینیستی‌اش یک نقشه خارجی بوده است. او می‌گوید: «بازجوهایم عربده می‌زدند و می‌گفتند اعتراف کن که جاسوسی کرده‌ای، از انگلیس دستور گرفته‌ای در پوشش فعالیت فمینیستی.»

آیا از مصر توانسته بود از وضعیت زندان و سلول تنگی که با چنده زندانی دیگر در شرایط غیرانسانی نگهداری می‌شد، اخباری در اختیار دوستانش در خارج از زندان بگذارد. وقتی ماموران امنیتی متوجه شده بودند درز این اطلاعات کار اوست، او را به «سوءاستفاده از شبکه‌های اجتماعی و عضویت در گروه‌های تروریستی» محکوم کرده بودند.

سحر از ایران هم در دوران بازداشت تحت آزارهای شدید قرار گرفته بود تا به داشتن رابطه جنسی با برخی از سیاستمداران اعتراف اجباری دروغین کند تا از این طریق بتواند خودش و همکارانش را تحت فشار بگذارند.

شش: تیپولوژی آزار زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا

زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب خاورمیانه که باید با موانع زیادی دست و پنجه نرم کنند و در محیط‌های سیاسی اقتدارگرایانه با فضای محدود برای فعالیت مدنی کار کنند، با خطرات متعدد و نقض حقوق انسانی خود مواجه هستند که بسیاری از آن‌ها مشابه مخاطراتی است که هم‌تایان مردشان با آن روبرو هستند. به عنوان مثال، قوانینی که فعالیت سازمان‌های غیردولتی و دریافت کمک مالی را محدود می‌کند، بر کنشگران زن و مرد به یک شکل تأثیر می‌گذارد. با این حال، اغلب، زنان مدافع حقوق بشر از آسیب‌ها و آزارهای جنسیتی رنج می‌برند، و با آزارها و مخاطراتی که با آن مواجه شده‌اند، ممکن است عواقب خاص جنسیتی برایشان به همراه داشته باشد. علاوه بر این، بسیاری از زنان مدافع حقوق بشر، خطرات و پیامدهای فعالیت خود را در سکوت تحمل می‌کنند و با خطراتی مواجه می‌شوند که بدیهی تلقی می‌شوند، به ندرت گزارش می‌شوند، و مرتکبان‌شان مجازات نمی‌شوند.

هدف این گزارش، تمرکز ویژه بر ماهیت جنسیتی آزارهای صورت‌گرفته علیه زنان مدافع حقوق بشر است. این گزارش قصد دارد شیوه استفاده از خشونت جنسی را به عنوان ابزاری برای سرکوب زنان مدافع حقوق بشر مطرح و برجسته کند. این گزارش همچنین نشان می‌دهد این آزارها در جوامعی که در چنگ مردسالاری و افراط‌گرایی مذهبی هستند، چه عواقب و تأثیرات متفاوتی بر زنان دارد.

زنان مدافع حقوق بشر که برای انجام این تحقیق با آن‌ها مصاحبه شده است، اذعان کردند که در مراحل مختلف، از لحظه دستگیری تا پایان دوران حبس و آزادی از زندان، مجبور به تحمل آزارهایی با ماهیت جنسی/جنسیتی از سوی ماموران و عوامل امنیتی شده‌اند. این آزارها توسط افراد مختلفی صورت گرفته است: بازجوها، ماموران دستگیری، پزشک معالج زندان، ماموران زن، و حتی دیگر زندانیان زن.

در اظهارات و روایت‌های زنان مدافع حقوق بشر که در ذیل به اشتراک گذاشته می‌شود، برخی از آزارهای صورت‌گرفته مطرح و بویژه بر ابعاد جنسیتی این آزارها تاکید می‌شود.

الف: آزار جنسی

آزار جنسی که شامل پیشروی جنسی ناخواسته، درخواست‌های ناخواسته و ناخوشایند جنسی، و یا سایر رفتارهای ناخوشایند با ماهیت جنسی می‌شود، نمایان‌گر روابط قدرت جنسیتی است. این آزار نوعی تبعیض و خشونت جنسی است که طبق اسناد متعدد حقوق بشری ممنوع است. هدف از این آزار، توهین، تحقیر و ارباب طرف مقابل است و به طور معمول توسط افرادی انجام می‌شود که در جایگاه قدرت بالاتری قرار دارند.

تعداد زیادی از زنان مصاحبه‌شونده به فمنا گفتند که از لحظه دستگیری - چه در اجتماعات و تظاهرات‌ها و چه در خانه - و در طول بازجویی و در دوران بازداشت و حبس، مورد آزار و اذیت جنسی کلامی و فیزیکی قرار گرفته‌اند.

دیما از سوریه با تعداد دیگری از اعضای گروهش که کمک‌های بشردوستانه پخش می‌کردند، در محل کارشان دستگیر شدند. او می‌گوید: «ماموری که دستم را موقع دستگیری گرفته بود، بدنم را لمس کرد. تا حد مرگ ترسیده بودم چون بارها شنیده بودم که ماموران امنیتی هرکاری که دلشان بخواهد برای تحقیر زنان انجام می‌دهند. در مسیر انتقال به بازداشتگاه به من می‌گفت تو قشنگی. چرا این کارها را می‌کنی. می‌توانی در حوزه دیگری کار کنی! اگر بخواهی می‌توانی به مردها لذت برسانی! سعی کن در حوزه خودت کار کنی فاحشه!»

خاتون از سودان در یک تظاهرات دستگیر شده بود. او توضیح می‌دهد: «چند مامور مرد دنبالم افتاده بودند، سعی کردم بدوم و فرار کنم ولی آن‌ها مدام با شلاق به من می‌زدند تا سرعتم کم شود و بتوانند دستگیرم کنند. من و چند دختر دیگر را سوار کامیون کردند تا به بازداشتگاه ببرند. ماموران مرد می‌گفتند که من و بقیه دخترها فاحشه هستیم و تهدید می‌کردند که به ما تجاوز می‌کنند.»

وقتی ماموران امنیتی برای دستگیری سحر از ایران به خانه‌اش یورش بردند «فحش‌های رکیک جنسی استفاده می‌کردند. می‌گفتند زنیکه پتیاره، جنده و...». بیان از ایران هم تجربه مشابهی داشته است. او که به همراه چند فعال مدنی دیگر در منزل یکی از دوستانش دستگیر شده بود، توضیح می‌دهد که ماموران در بازداشتگاه برای تحقیر و ارباب او از حرف‌های کثیفی استفاده می‌کردند: «هر بار یکی از بازجوها از کنارم رد می‌شد می‌گفت تو الان باید زیر شوهرت باشی جنده...توی این خانه با این همه پسر چکار می‌کردی. شوهرت می‌داند کجا بودی!»

ریم از مصر در خیابان بازداشت شده بود. ماموران دست‌هایش را به پاهایش بسته بودند و به او توهین‌های جنسی کرده بودند. ژاکت‌ش را دور گردنش بسته بودند و تهدیدش کرده بود که اگر پسوردهایش را ندهد خفه‌اش می‌کنند.

وسام از یمن در مسیر رفتن به دادگاه برای دفاع از موکلش بازداشت شد. ماموران امنیتی او را مستقیم به نزد رئیس پلیس برده بودند. رئیس پلیس بدون این‌که نگاهی به او بیندازد مامور زن را صدا زده بود و او هم با چوب بلندی در دستش مدام به قصد کتک زدن به سمتش هجوم می‌برده است. سپس او را به مامور مردی سپرده بودند که به مقر دیگری برای بازجویی ببرد و مامور مرد در طول مسیر حرف‌های زشت جنسی به او می‌زده و مدام او را مسخره می‌کرده است.

لارا از فلسطین، صبح زود با تهاجم ماموران اسرائیلی به خانه‌اش دستگیر شده بود. او می‌گوید: «دست‌هایم را با دست‌بند از پشت به مدت چند ساعت بسته بودند. موقع ورود به زندان چشم‌بند داشتم و یکی از ماموران گفت برو داخل و یا ... را داخل می‌کنم.»

رزا از ایران توضیح می‌دهد: «با این‌که تصورم این بود که عموماً زنان را نمی‌زنند، اما هر لحظه منتظر حمله فیزیکی بودم. وحشتناک بود. مرا با چشم‌بند نشانده بودند و پشت سرم رژه می‌رفتند، تحقیر می‌کردند، فحش می‌دادند، و می‌گفتند زنیکه هرزه، زیرخواب فلانی ... جنازه‌ات را می‌دهیم به خانواده‌ات، از اینجا زنده بیرون نمی‌روی. به صندلی‌ام لگد می‌زدند و من فقط در سکوت گریه می‌کردم.»

در بسیاری از کشورهای منطقه که از لحاظ قانونی و یا فرهنگی، حجاب و پوشش کامل زنان اجباری است، زنان مدافع حقوق بشر به خاطر نوع پوشش خودشان و یا حتی دیگر زنان خانواده‌شان در جمع‌های خانوادگی و یا در سفرهای خارج از کشور هم مورد کنکاش و مواخذه و حتی آزار ماموران امنیتی قرار می‌گیرند. هانا از ایران هنگام تفتیش منزل موقع بازداشت، حاضر نشده مانتو تنش کند و بایک شال و بلوز شلوار بوده است. او می‌گوید: «در آن سه چهار ساعتی که تفتیش خانه طول کشید، بازجو هر بار که از مقابلم رد می‌شد، توهین می‌کرد و می‌گفت اون تن کثیف رو بیوشون. اون تن لجن رو بیوشون.»



ب: سوءاستفاده جنسی، تعرض و تجاوز

زنان مدافع حقوق بشر به دلیل جنسیت‌شان در برابر انواع خشونت جنسی آسیب‌پذیر هستند. آن‌ها به‌ویژه در دوران بازداشت و یا زندان که تحت کنترل مأموران امنیتی هستند، بیشتر در معرض خطر چنین خشونت‌هایی قرار می‌گیرند. اشکال مختلف خشونت جنسیت‌محور که هم بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر و هم در اکثر قوانین کیفری کشورهای مختلف ممنوع است، اساساً برای نشان دادن کنترل نیروهای امنیتی بر زنان مدافع حقوق بشر، تحقیر و مجازات آن‌ها برای کنشگری‌شان استفاده می‌شود. استفاده از خشونت جنسی علیه زنان مدافع حقوق بشر در خدمت هدف بزرگ‌تری است، یعنی مشروعیت‌زدایی از جنبش‌های اجتماعی و حقوق بشری و تضعیف تلاش‌های جامعه مدنی برای تغییر اجتماعی و دموکراسی‌سازی. تهدید به خشونت جنسی و یا اقدام به این نوع خشونت اغلب برای وادارسازی زنان مدافع حقوق بشر به اعترافات دروغین یا تحت فشار قرار دادن آنان برای همکاری با بازجوها و مأموران به عنوان بخشی از سناریوهای امنیتی بزرگ‌تر با هدف سرکوب و مجازات سازمان‌ها و جنبش‌های زنان و سایر کنشگران استفاده می‌شود.

مایا از مصر ماجرای روزی را بازگویی می‌کند که در حبس به او گفته بودند رئیس زندان می‌خواهد با او حرف بزند: «سه زندان بان زن مرا بردند بیرون و متوجه شدم سلول‌ها خالی است چون بقیه را برای ورزش برده بودند. سپس به من چشم‌بند زدند، رئیس زندان تهدیدم کرد که اگر با آن‌ها همکاری نکنم، هرگز دوباره فرزند و همسرم را نخواهم دید. شروع به لمس بدنم کرد و گفت وزنت کم شده است. همین‌طور خودش را به من نزدیک تر می‌کرد این قدر که نفسش را روی گردنم حس می‌کردم... اصرار برای همکاری با همین شیوه شش ساعت طول کشید. قبول نکردم، چندبار به سرم ضربه زدند. در حال غش بودم. خواهش کردم کمی آب و شکر بدهند. برایم نوشابه آوردند. آن زمان متوجه شدم که او داشت همه چیز را ضبط می‌کرد. بعد به زندانبان‌ها گفت با چشمان بسته و همان حال مرا به سلول بازگردانند تا بقیه زندانی‌ها ببینند و برایشان درس عبرت شود که از حرف مقامات زندان سرپیچی نکنند.»

سحر از ایران که در بازجویی برای اعتراف اجباری تحت آزار قرار گرفته بود، می‌گوید: «هر بار که برای بازجویی می‌آمد، تمام هفت‌هشت ساعت بازجویی حرف‌های جنسی می‌زد... در یک جلسه یک اسکناس گذاشت روی سینه‌ام و گفت باید به من نشانش دهی. بعد رفت و بیست دقیقه بعد برگشت و گفت نه این رقم برای سینه‌های تو خیلی کم است... کم‌کم دستش را به سمت پایین تنه‌ام برد و گفت این‌جا قیمتش چند است... وحشت کرده بودم. دیدم لای در باز است. حمله کردم به طرف در سلول... خودم را رساندم به توالت بند... او هم از پشتم می‌آمد اما نمی‌توانست داد بزند چون سایر سلول‌ها پر از زندانی بود. رفتم توی توالت و دستم را کردم توی حلقم... ناخن‌هایم در بازداشت بلند شده بود، تمام گوشه‌های دهنم و حتی گلویم با ناخن‌هایم بریده شده بود. اطراف دهانم خون‌آلود شده بود. می‌خواستم آن قدر بالا بیاورم که ولم کند و برود.»

ندین از یمن هم می‌گوید که در زندان امنیتی تهدیدش کردند، شکنجه‌اش کردند، و مورد آزار جنسی قرار گرفت تا به اعترافات اجباری تن دهد. او به فنا می‌گوید که شکنجه‌هایی که تحمل کرده باعث شده که هنوز گاهی دچار خون‌ریزی شود.

سمیه از مصر به همراه شوهر و برادرشوهرش در کافه دستگیر شد. مأموران امنیتی در هنگام دستگیری سعی می‌کردند به همه جای بدنش دست بزنند در حالی که او سرشان فریاد می‌زده که لمسش نکنند. او در هنگام دستگیری شلوار جین زاپ‌دار پایش بوده است و مأمور دستگیری او را به همین دلیل فاحشه خطاب کرده بود. سمیه می‌گوید: «مأموران بعد از دستگیری، من و شوهرم را در اتاقی انداختند که چند مرد دیگر هم بودند. آن‌ها مرتب به اتاق می‌آمدند و دست‌شان یا انگشت‌شان را داخل شلوارم می‌کردند. آن زمان حمله بودم و باید تند تند دستشویی می‌رفتم ولی به من اجازه نمی‌دادند.»

لانا، فعال حقوق زنان از عربستان سعودی، بیشتر از یک بار بازداشت شده، و یک بار هم مأموران امنیتی او را ربوده بودند. یکی از اعضای خانواده‌اش تجربه او را در دوران زندان برای فنا توصیف می‌کند: «لانا را با چشم‌بند روی یک صندلی وسط اتاق نشانده بودند. مردانی که شکنجه‌اش می‌کردند روی مبل نشسته بودند. آن قدر به باسنش شلاق زده بودند که نمی‌توانسته راه برود. اندام‌های جنسی‌اش را لمس، و با او مانند یک شیء جنسی برخورد می‌کردند. او را می‌بوسیدند و حرف‌های رکیک می‌زدند. در یکی دیگر از جلسات هم با القای حس غرق‌شدگی شکنجه‌اش کرده بودند.»



لیلا از بحرین توضیح می‌دهد که چگونه ماموران در طول بازجویی از آزار کلامی شروع کردند و به تجاوز ختم شد: «ابتدا آزار کلامی بود. سپس به آزار جنسی تبدیل شد. در طول بازجویی مرا بسته بودند و کتکم می‌زدند. سپس به من تجاوز کردند.» لیلا در هنگام بازگشت از یکی از کنفرانس‌های حقوق بشری سازمان ملل بازداشت شده بود و آن‌طور که خودش می‌گوید دستگیری‌اش مجازاتی بوده برای این‌که در مجامع بین‌المللی خواستار عدالت و حقوق بشر شده بود.

پ: حمله به شخصیت و اعتبار زنان مدافع حقوق بشر

حمله و تخریب شخصیت و اعتبار، یکی دیگر از ابزارهای است که ماموران امنیتی در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا آگاهانه و عمدتاً برای آزار زنان مدافع حقوق بشر استفاده می‌کنند. از آن‌جا که در این منطقه از زنان انتظار می‌رود که از هنجارهای جنسیتی خاص پیروی کنند و رفتارشان مطابق این هنجارها باشد، تخریب وجهه یک زن می‌تواند اعتماد به او را خدشه‌دار و کار و فعالیت را برایش بسیار دشوار کند. بنابراین، تهدید به افشای اطلاعات خصوصی، شایعه‌پراکنی یا شرمندسازی علنی زنان می‌تواند روش مؤثری برای ساکت و غیرفعال کردن‌شان باشد. علاوه بر این، در این منطقه، اعتبار و وجهه یک زن اغلب بازتاب‌دهنده آبرو و جایگاه خانواده، و مقبولیت اجتماعی‌اش است. گاهی، شرمندسازی یک زن می‌تواند به قیمت از دست دادن حمایت خانواده‌اش تمام شود، و یا او را در معرض خطر آسیب رساندن از سوی خانواده‌اش قرار دهد، به خصوص زمانی که شایعات یا شرمندسازی جنبه جنسی داشته باشد. به همین دلیل، مأموران امنیتی دولتی به قصد تخریب شخصیت و یا شرمندسازی زنان مدافع حقوق بشر، معمولاً تهدیدشان می‌کنند که اطلاعات موثق و یا نادرست را در اختیار اعضای خانواده‌شان می‌گذارند، و البته فقط به تهدید بسنده نمی‌کنند و این اطلاعات را برای اعضای خانواده بازگو می‌کنند.

● شرمندسازی زنان مدافع حقوق بشر در برابر خانواده و بستگان

سحر از ایران که مکرراً در بازجویی تحت فشار قرار گرفته بود تا به روابط دروغین با کنشگران سیاسی اعتراف کند، توضیح می‌دهد که هر بار شوهرش که فردی مذهبی بوده، برای پیگیری پرونده‌اش مراجعه می‌کرده، به او می‌گفتند «خبر نداری، که زنت چه کارهایی می‌کرده و با چه کسانی می‌خوابیده.»

هانا از ایران می‌گوید مامورانی که برای بازداشت او به خانه‌شان آمده بودند، فحاشی جنسی می‌کردند و به مادرش می‌گفتند «یک دختر فاسد تحویل جامعه داده‌ای که در شهرهای دیگر هم کارگاه برگزار می‌کند و زن‌های دیگر را هم فاسد می‌کند.» آن‌ها همچنین به پدرش می‌گفتند «از روابط دخترت خبر داری؟ ما با عکس و مدرک نشانت می‌دهیم که دخترت فاسد است.»

بیان هم می‌گوید که بازجوهایش فعالیت‌های مدنی او را به این ربط می‌دادند که می‌خواست با فلان مرد رابطه داشته باشد: «می‌گفتند به خانواده‌ات می‌گوییم که هدف شما چیز دیگری است. همه‌تان خراب هستید. حتی یکی دوبار هم وقتی من بازداشت بودم چنین چیزی را به خانواده‌ام گفته بودند.»

در حالی که تاکتیک ماموران امنیتی برای تخریب شخصیت و اعتبار زنان مدافع حقوق بشر و شرمندگی‌سازی آنان، اغلب استراتژی موثری است، اما اعضای خانواده بسیاری از مدافعان به این تاکتیک اهمیتی نمی‌دهند.

لارا از فلسطین توضیح می‌دهد که ماموران امنیتی اسرائیلی با خانواده‌اش تماس گرفته بودند و پرسیده بودند که آیا نمی‌دانند دخترشان چه کار می‌کرده است «سعی کرده بودند با سرزنش خانواده‌ام تصویر مرا خراب کنند. البته خانواده‌ام خیلی حامی بودند چون می‌دانستند که چنین چیزهایی درباره زندانیان فلسطینی اتفاق می‌افتد.»

رزا از ایران توضیح می‌دهد که در جریان یکی از ملاقات‌های پدر و مادرش در زندان اوین، ماموران به مادرش گفته بودند از اتاق بیرون برو و سپس از پدرش پرسیده بودند که آیا می‌داند دخترش رابطه دارد، دوست‌پسر دارد. رزا می‌گوید: «به پدرم گفته بودند ما شرممان می‌آید از دختر شما و روابط مستهجنش، شما نمی‌دانید چه خبر است... پدرم عصبانی شده بود و به بازجو حمله کرده بود که خجالت بکشید، به شما چه ربطی دارد؟ روابط دخترم فقط به خودش مربوط است. احتمال حمایت مادرم را بیشتر فرض کرده بودند و به همین دلیل بیرونش کرده بودند تا به اصطلاح غیرت و مردانگی پدرم را هدف بگیرند تا علیه من استفاده شود.»

● کمپین‌های علنی بدنام‌سازی

کسانی که می‌خواهند کنشگران زن را ساکت و مرعوب کنند، اغلب کمپین‌های علنی بدنام‌سازی را علیه‌شان راه‌اندازی می‌کنند. اغلب، آن‌ها عکس‌هایی از این زنان را در شرایط و وضعیت نامناسب و آسیب‌زننده منتشر می‌کنند. این عکس‌ها ممکن است واقعی باشند که نیروهای امنیتی هنگام تفتیش منازل، و یا از هک کردن و تفتیش کامپیوتر و تلفن همراه به دست آورده باشند، و یا عکس‌های فتوشاپ شده باشد. گاهی اوقات، زنان مدافع حقوق بشر به موضوع بحث در برنامه‌ها و گفت‌وگوی تلویزیونی و رادیویی تبدیل می‌شوند، برخی نیز مجبور به اعترافات دروغین تلویزیونی شده‌اند و به بحث‌های همگانی دامن زده‌اند. نمایش زنان مدافع حقوق بشر در فضایی نامطلوب و تغییر افکار عمومی علیه آن‌ها، به مقامات فرصت می‌دهد که با مصونیت بیشتر به سرکوب‌شان ادامه دهند.

ریم از مصر به فمنا می‌گوید: «وقتی در زندان بودم، یکی از رسانه‌های شبه‌دولتی گزارشی علیه من کار کرده بود. عکس‌های خصوصی‌ام را منتشر کرده بودند و نوشته بودند که من زن خوبی نبودم، مشروب خورده‌ام، در پارتنی فلان لباس را پوشیده‌ام، در خانه‌ام همیشه به روی مردها باز بوده و با مردان زیادی رابطه جنسی داشته‌ام.»

ت: تجاوز به حریم خصوصی و نقض آن در روابط شخصی

● هجوم به خانه، محل کار، و تفتیش لوازم شخصی

کنشگران در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا، به طور معمول هجوم به فضاهای خصوصی خود را تجربه می‌کنند. آن‌ها عادت کرده‌اند که تحت نظر باشند و به همین دلیل اقدامات احتیاطی را انجام می‌دهند. با این حال، حتی با وجود تمام اقدامات احتیاطی، آن‌ها در شرایطی زندگی و فعالیت می‌کنند که ماموران امنیتی از هیچ یک از محدودیت‌های عادی که قانون برای تفتیش قائل می‌شود (مانند احکام و دستور قضایی که موارد تفتیش در آن به صراحت اعلام شده باشد) پیروی نمی‌کنند. ماموران اغلب با قصد آزار و اذیت کنشگران و مدافعان حقوق به دفاتر و منازل آنان هجوم می‌برند. همان‌طور که در روایت‌های بالا بحث شد، گاهی اوقات، یورش به منازل و ادارات با آزار و اذیت جنسی کلامی و فیزیکی همراه است. اغلب، این حملات به قصد جمع‌آوری هرچه بیشتر اطلاعات در مورد کنشگران و سپس استفاده از این اطلاعات علیه آن‌ها صورت می‌گیرد. همان‌طور که پیش از این

هم ذکر شد، در کشورهای این منطقه، که استانداردهای دوگانه درباره رفتارهای زنان و مردان تا به امروز ادامه دارد، پخش اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی می‌تواند عواقب منفی بیشتری برای زنان به همراه داشته باشد.

آیا از مصر می‌گویید: «مدام از زندگی شخصی‌ام سوال می‌پرسیدند، با چه کسی زندگی می‌کنی؟ دوست‌پسر داری؟ از کجا پول می‌آوری؟ برایشان چکار می‌کنی که به تو پول می‌دهند! همه تلاش‌شان این بود که بگویند که ما به هیچ ارزش و اصول اخلاقی پایبند نیستیم و ما را در برابر جامعه افراد بدی نشان دهند.»

لارا از فلسطین به مدت سی روز در بازداشتگاهی در اورشلیم زندانی شده بود. در این فاصله، سه روز او را به یک بازداشتگاه نظامی برده بودند و ماموران تلاش می‌کردند او را از طریق عکس‌های خصوصی‌اش شرمسار کنند. او می‌گوید: «ماموران می‌گفتند که تو یک دختری و باعث شرمساری خودت و خانواده و جامعه‌ات است که زندانی شده‌ای. حتی موهایت هم پوشیده نیست. آن‌ها همه تلاش‌شان را کرده بودند تا عکس‌های خصوصی‌ام را پیدا کنند و از این طریق خرابم کنند. مرا را در اتاقی زندانی کرده بودند که کنارش اتاق مردان بود و مدام مرا تهدید به تجاوز قرار می‌کردند.»

رزا از ایران توضیح می‌دهد: «می‌گفتند چرا در هیچ کدام از عکس‌های بیرون از خانه روسری سرت نیست؟ حتی در مورد پوشش زنان خانواده‌مان نظر می‌دادند. دخترخاله‌ات چقدر بدحجاب است... در مورد دو تا از هم‌سلولی‌هایم هم عکس‌هایشان را در بازجویی جلوی‌شان گذاشته بودند و مجبورشان کرده بودند که پای عکس‌هایی که لباس‌شان به تن داشتند، توضیحات بنویسند و امضا بزنند.»

هانا از ایران هم می‌گوید: «خصوصی‌ترین روابطم در اتاق‌های بازجویی توسط بازجویان ترسیم می‌شد. بازجوها عکس‌هایم را با هم نگاه می‌کردند و شروع می‌کردند تحقیر کردن و مسخره کردن. عکس‌ها را جلوی خودم می‌گذاشتند. می‌گفتند چه پوزیشنی در سکس دوست داری؟ برایم کاملاً تصویرسازی می‌کردند و با جزئیات در مورد روابط جنسی‌ام حرف می‌زدند. اعتراض که می‌کردم می‌گفتند شما فمینیست‌ها که باید راحت در این مورد حرف بزنید.»

● حمله، تهدید و ارباب‌انضام اعضای خانواده و همکاران

یکی دیگر از راه‌های موثر برای ارباب‌انضام و ساکت کردن زنان مدافع حقوق بشر، هدف گرفتن افراد نزدیک به آن‌ها، مانند اعضای خانواده، دوستان یا همکارانشان است. ماموران امنیتی می‌دانند که اگرچه زنان مدافع حقوق بشر آماده رویارویی با خطرات خاصی هستند و این خطرات را درباره خود و امنیت‌شان پذیرفته‌اند، اما کمتر تمایل دارند که ببینند آشنایان یا عزیزان‌شان به خاطر فعالیت‌های آن‌ها متحمل رنج و سختی شوند. درست است که این تاکتیک‌ها هم علیه کنشگران زن و هم مرد صورت می‌گیرد، اما زمانی که اعضای خانواده به دلیل فعالیت زنان با مخاطراتی مواجه می‌شوند، کنشگران زن با انتقاد و قضاوت بیشتری مواجه می‌شوند. کنشگران زن معمولاً بیشتر در قبال امنیت اعضای خانواده‌شان پاسخگو هستند و زمانی که اعضای خانواده‌شان به دلیل فعالیت‌های آن‌ها مورد حمله یا تحت خطر قرار بگیرند، بیشتر سرزنش می‌شوند. این سرزنش اغلب با شرم‌نامه‌سازی آنان به دلیل از بین بردن آبروی خانواده و برهم زدن نظم خانواده و جامعه همراه است.

رغد از مصر قبل از اجرای حکم زندان توانسته بود از کشور خارج شود. ماموران در عوض برادرش را که در ارتش خدمت می‌کرد، دستگیر کرده بود. برادرش را شکنجه‌اش کرده، و به او گفته بودند که خواهرت فاحشه است. بعد از اصرارهای برادرش مبنی بر این‌که هیچ ارتباطی با رغد ندارد، در نهایت آزادش کرده بودند.

سحر از ایران هم می‌گوید که در حالی که بازداشت و تحت بازجویی بود، ماموران امنیتی به خواهرش هم که در آن زمان دانشجوی بوده، اتهام می‌زدند «می‌گفتند که او هم مثل تو جنده است و مادرت دختر زیرخواب تحویل جامعه داده است.» دیما از سوریه توضیح می‌دهد که ماموران امنیتی «با خانواده‌ام تماس می‌گرفتند و می‌گفتند تقصیر آن‌هاست که من فعالیت می‌کنم. تهدید می‌کردند که اگر بقیه اعضای خانواده‌ام هم درگیر چنین فعالیت‌هایی باشند دستگیر می‌شوند. آن‌ها حتی اعضای خانواده خودم و همکارانم را هم ممنوع‌الخروج کردند.»

طالبان در افغانستان، موقع دستگیری یلدا، خواهرانش را هم با او بازداشت کردند. یلدا می‌گوید که طالبان تهدیدش می‌کردند که اگر حرف نزنند، خواهرانش را هم شکنجه می‌کنند و همین بلاها را سرشان می‌آورند و آن‌ها را می‌کشند «می‌دانستند خواهرانم بزرگ‌ترین نقطه ضعف من بودند.»



سمیه از مصر هم در برابر احضارهای تلفنی ماموران مقاومت کرده بود و از آن‌ها خواسته بود برایش احضار رسمی بفرستند. ماموران مادر معلمش را بازداشت کرده بودند و او مجبور شده بود برای بازجویی برود. آن‌طور که سمیه می‌گوید پدر و مادرش را بارها تهدید کردند، و برادرش هم نتوانست شغلی پیدا کند چون از لحاظ امنیتی تاییدش نمی‌کردند.

ث: شکنجه، و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی، و تحقیرآمیز

علاوه بر آزارهای کلامی و فیزیکی جنسی، تقریباً تمامی زنان مدافع حقوق بشر در دوران بازداشت در شرایط غیرانسانی و تحقیرآمیزی نگه داشته شده بودند. برخی از رفتارهای آزارگرانه و تحقیرآمیز در بازداشت مختص به جنسیت این زنان است، از جمله تفتیش واژن و تست‌های باکرگی که بسیاری از این زنان مجبور به تحملش شده بودند.

● تفتیش واژن و مقعد

در بسیاری از زندان‌های دنیا، بازداشت‌شدگان را در لحظه تحویل به بازداشتگاه بازرسی بدنی می‌کنند. این بازرسی به دلایل امنیتی و برای جلوگیری از ورود و خروج وسایل ممنوع همانند تلفن همراه، مواد مخدر، و اسلحه صورت می‌گیرد. در دستورالعمل‌های آگاه به قوانین بین‌المللی حقوق بشری، توصیه‌های لازم درباره نحوه تفتیش بدنی صورت گرفته است، و تا حد امکان باید از دستگاه‌های الکترونیک برای تفتیش بدنی استفاده شود، و جز در موارد ضروری، و در مورد زندانیانی که احتمال می‌رود مواد ذکرشده را در بدن‌شان جاسازی کرده باشند، نباید تفتیش واژن و یا مقعد صورت گیرد، چون این عمل به خودی خود تحقیرآمیز و خلاف کرامت انسانی است.

اما تجربیات زنان مدافع حقوق بشر مصاحبه‌شونده در این گزارش نشان می‌دهد که ماموران از تفتیش بدنی به عنوان عاملی برای تحقیر و آزار آن‌ها استفاده می‌کردند و آن‌ها را مجبور می‌کردند لخت شوند و واژن و یا مقعدشان را هم جستجو می‌کردند. طبق اظهارات زنان مدافع حقوق بشر مصری در مصاحبه با فمنا، این تفتیش بدنی در شرایط بسیار غیربهداشتی و حتی در برابر ماموران مرد صورت گرفته است. در ایران هم زنانی که به حبس‌های طولانی محکوم شده بودند، مجبور بودند هر بار قبل از ملاقات، بخصوص ملاقات حضوری به تفتیش بدنی تن دهند، و چگونگی این تفتیش بستگی به برخورد نگهبان زن داشته است. آیا از مصر می‌گوید: «مجبورم کردند همه لباس‌هایم را از تنم در بیاورم و روبروی در زندان بایستم. یک مامور زن آمد و یک پلاستیک استفاده‌شده دور دستش پیچید تا مقعدم را چک کند که باعث خون‌ریزی شد.»

سمیه به همراه شوهرش بازداشت شده و او را به بازداشتگاه مردان برده بودند، به خاطر همین هم یک زن رهگذر را از خیابان آورده بودند تا او را تفتیش کند. او می‌گوید: «ماموران بیرون در اتاق ایستاده بودند ولی به داخل اتاق سرک می‌کشیدند. به زن گفتم حامله‌ام. زن مهربانی بود. واژنم را چک نکرد.» وقتی سمیه را از آن بازداشتگاه به زندان دیگری منتقل کرده بودند، دوباره او را تفتیش کرده بودند. سمیه می‌گوید: «یکی از ماموران زن خواست تفتیشم کند. واقعا خسته شده بودم. مقاومت نکردم و لباسم را درآوردم. نوک سینه‌هایم را به حالت خیلی عجیبی لمس کرد. سرش فریاد زد که از او شکایت می‌کنم.»

مایا از مصر هم که حاضر نشده بود در لحظه دستگیری پسورد موبایلش را به ماموران بدهد، در لحظه تحویل به زندان، یکی از زنان عادی زندانی را آورده بودند تا در حضور ماموران امنیتی او را کاملا برهنه و تفتیش کند.

بیان از ایران که چندسال زندانی بوده است، درباره تفتیش بدنی در روزهای ملاقات می‌گوید: «یکی دوتا نگهبان بودند که زیاد اصرار نمی‌کردند که حتما کامل برهنه شوی. اما چند نفری هم بودند که اصرار داشتند باید دقیق این مرحله را انجام دهند. یک بار که ملاقاتم کابینی بود زن نگهبان مرا برد توالد داخل بند و خواست که لباس‌هایم را کامل در بیاورم و دوبار بشین پاشو انجام بدهم. بی‌نهایت تحقیرآمیز بود. در آن لحظه سعی کردم به این فکر کنم که شغل این زن همین است و باید برای او تحقیرآمیزتر باشد که باسن مرا در حال بشین پاشو ببیند! این جوری توانستم خودم را راضی کنم که به آن تن دهم، چون این ملاقات تنها راه ارتباطی با خانواده‌ام و جهان بیرون بود.»

رزا از ایران هم می‌گوید: «وقتی می‌خواستند مرا داخل سلول انفرادی بفرستند، لباس‌هایم را درآوردند و مجبورم کردند که برای بازرسی بدنی بشین و پاشو بکنم. خیلی اعتراض کردم ولی گفتند حرف نزن دختر {....} می‌خواستی کاری نکنی که پایت به اینجا باز شود.»

● تست بکارت اجباری

تست بکارت اجباری از دیگر آزارهایی است که در برخی از کشورهای منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا به زنان مدافع حقوق بشر تحمیل می‌شود. از آن‌جا که در بسیاری از کشورهای منطقه، روابط جنسی خارج از ازدواج تابو محسوب می‌شود، سیستم‌های امنیتی با انجام این تست‌ها قصد شرمندسازی و بدنام‌سازی زنان مدافع حقوق بشر را در اجتماعات‌شان دارند. روایت‌های مصاحبه‌شوندگانی که وادار به انجام این تست شده بوده بودند، نشان می‌دهد که این کار بیشتر به قصد تحقیر و آزار صورت گرفته است، چون در مصر حتی زنان مدافع حقوق بشر متاهل و بچه‌دار را هم وادار به انجام این تست کرده بودند.

رغد از مصر توضیح می‌دهد که وقتی او را تحویل زندان دادند «مامور زن اصرار داشت که باید معاینه شوم در حالی که من متاهل بودم. او یک پلاستیک را از سطل آشغال درآورد و دور دستش پیچید و واژنم را بررسی کرد که باعث شد بعدها دچار عفونت‌های متعدد شوم.»

آیا از مصر توانسته بود از وضعیت زندان و سلول تنگی که با چنده زندانی دیگر در شرایط غیرانسانی نگهداری می‌شد اخباری در اختیار دوستانش بگذارد. وقتی ماموران امنیتی متوجه شده بودند درز این اطلاعات کار اوست، از نگهبان زن خواسته بودند او را از اتاق بیرون بکشند و لختش کند. آیا می‌گوید: «مامور زن سرم داد می‌زد این بدن یک زن است و نه یک دختر! مجبورم کرد چندبار در مقابل ماموران مرد بنشین پاشو انجام دهم تا ببیند چیزی در بدنم پنهان کرده‌ام یا نه. چون ساعت‌ها بود توالت نرفته بودم، نتوانستم ادرارم را کنترل کنم.... بعد از مدتی یک دکتر آوردند تا تست باکرگی واقعی انجام دهد.»

مایا از مصر توضیح می‌دهد که بعد از تست اجباری باکرگی دچار عفونت شده و اصرار کرده بود که برای معاینه او را به مطب پزشک متخصص ببرند «پس از مدتی مرا پیش دکتری خارج از زندان بردند. دکتر با اسپکولوم دو سایز بزرگ‌تر واژنم را معاینه کرد و به اعتراض‌ها و درد کشیدن‌هایم توجهی نکرد. خون‌ریزی شدیدی کردم. لباس زندان تنم بود و خونی و کثیف شده بود. مرا با همان لباس زندان به داخل بند برگرداندند. بقیه زنان زندانی وحشت کرده بودند. می‌خواستند درسی برای بقیه زنان زندانی شود و آن‌ها را بترسانند.»

در ایران نیز چند نفر از زنان جوان مدافع حقوق بشر در جریان بازداشت و زندان با انجام اجباری این تست مواجه شده بودند. [آتنا فرقدانی از جمله اولین زنانی بود که در این باره افشاکری کرد.](#)

● آزار توسط سایر زندانیان

تعدادی از زنان مدافع حقوق بشر مصاحبه‌شونده، تجربه آزار توسط سایر زندانیان را با فمنا به اشتراک گذاشتند. بیان از ایران توضیح می‌دهد که در بند زنان، زندانیان آزارگری وجود داشتند که معمولاً هم از طرف مقامات زندان حمایت می‌شدند تا سایر زنان زندانی را مورد آزار قرار دهند. او می‌گوید: «آن‌ها روی برخی زندانی‌ها اسم‌های تحقیرآمیز می‌گذاشتند، بدون اجازه و به عمد بدن بقیه را لمس می‌کردند، بقیه را تحت فشار می‌گذاشتند و اصرار می‌کردند که با آن‌ها رابطه برقرار کنند... آن‌ها فضای زندگی در درون زندان را ناامن کرده بودند. باید همیشه مراقب نحوه لباس پوشیدن مان در زندان می‌بودیم. در گرمای شدید تابستان، بدون کولر، تاپ و دامن کمی کوتاه و شلوارک نمی‌پوشیدیم.»

● شرایط غیرانسانی بازداشت‌گاه‌ها

از آن‌جا که تمرکز این تحقیق بر آزارهای جنسی و جنسیتی است، فمنا از مصاحبه‌شوندگان، وضعیت و شرایط بازداشت‌گاه‌ها را جویا نشده بود، هرچند شرایط نامناسب بازداشت در این منطقه کاملاً مشهود است. با این حال در این بخش برخی از روایت‌های مصاحبه‌شوندگان درباره نحوه بازداشت و وضعیت بازداشت‌گاه‌ها مطرح می‌شود که تصویر بهتری از شرایطی که زنان مدافع حقوق بشر متحمل شده بودند، ارائه می‌دهد.

یلدا از افغانستان به همراه خواهرانش دستگیر شده بود. او عضو گروهی بود که برای برگزاری یک تجمع برنامه‌ریزی می‌کردند و روز قبل از تجمع بازداشت شد. یلدا می‌گوید: «برای دستگیری مان تانک آورده بودند و تمام اطراف آپارتمان را محاصره کرده بودند. رفتار وحشتناکی داشتند. به من و خواهرهایم لگد می‌زدند که سروصدا نکنید. با وضعیت بسیار بدی ما را بردند و سوار ماشین کردند.» او می‌گوید که ۲۶ روز بازداشت بوده و در آن مدت شکنجه شده بود.

فرشته از افغانستان بعد از چندبار فرار و اقامت در خانه‌های موقتی، به همراه شوهر و دو کودکش و حدود چهل نفر دیگر از معترضان و فعالان اجتماعی و کودکانشان توسط طالبان دستگیر شد. چندصد نفر از ماموران طالبان محل اقامت آن‌ها را با ماشین‌های زرهی محاصره کرده بود. ابتدا مردها را به اتاقی برده بودند و از آن‌ها اطلاعات اولیه گرفته بودند. فرشته توضیح می‌دهد: «نمی‌خواستیم دروغ بگویم که کی هستیم. با صدای بلند و گریه گفتم من با طالبان دشمنی دارم چون زندگی مان را از ما گرفتید. از دوران کودکی ام گفتم و از تمام ظلم‌های طالبان و بلاهایی که طالبان سرمان آورده بودند... مرا از اتاق بیرون بردند. در اقل کردند و شوهرم را در حد مرگ کتک زدند. تمام در و دیوار می‌لرزید. او جیغ می‌زد و من و بچه‌هایم و بقیه زن‌ها صدایش را می‌شنیدیم. بچه‌هایم از ترس گریه می‌کردند.» او می‌گوید که بعد از انتقال به بازداشت‌گاه تا چند روز به آب و غذا دسترسی نداشتند «دو روز اصلاً به ما حتی آب هم ندادند. به حدی رسیده بودم که یک سطل آب کثیف آن‌جا بود که کارمندهای طالبان دست‌هایشان و لیوان‌هایشان را شسته بودند. آب کثیف را با گوشه چادرم تصفیه کردم و به بچه‌هایم دادم. پنج روز حتی یک تکه نان به ما ندادند. اتاق دیگر اکسیژن هم نداشت و بچه‌ها نمی‌توانستند نفس بکشند.»

آیا از مصر در توضیح شرایط بازداشت‌گاه می‌گویید: «در ماه می که هوا به بالای چهل درجه سانتیگراد می‌رسد، مجبور بودم ۴۵ روز تمام لباس‌های نایلونی یا پلاستیک بپوشم و مدت طولانی اجازه ندادند حمام بروم. آن‌ها می‌آمدند و زیر تختی که روی آن می‌خوابیدم، وسیله گرمایشی روشن می‌کردند تا بدنم از گرما بسوزد. مجبور بودم از آب غیربهداشتی بنوشم که باعث شد هم خودم و هم یکی دیگر از همکارانم که با هم در زندان بودیم، دچار مشکل کلیه شویم. روزی یک وعده به ما غذا می‌دادند، یک تکه نان و یک تکه پنیر که حتی رویش سوسک‌های مرده وجود داشت. به مدت پانزده روز فقط روزی یک بار اجازه داشتم دستشویی بروم و دچار مشکلات گوارشی شده بودم.»

سمیه از مصر هم به فمنا می‌گوید که موقع بازداشت حامله بوده، اما بیست روز پشت سر هم همان لباس زیر تنش بوده است چون به او اجازه نداده بودند لباس‌هایش را عوض کند.

مریم و امینه هم که از سال ۲۰۱۵ همچنان در زندان امارات هستند، در بازداشت‌گاه‌های مخفی در معرض انواع شکنجه، ضرب و شتم، تهدید به تجاوز قرار گرفتند و مدت‌های مدید در سلول‌های انفرادی بودند تا علیه خود اعتراف کنند. مریم به دلیل برخوردهای تحقیرآمیز و مدت طولانی بازداشت در سلول انفرادی، دست به خودکشی زده بود.



هفت: خشونت جنسی و جنسیتی به مثابه ابزاری برای سرکوب

جای تعجب ندارد که تعداد بسیاری از زنان مدافع حقوق بشر که فمنا برای انجام این تحقیق با آن‌ها مصاحبه کرده است و در بازداشت در معرض آزار و خشونت قرار گرفته بودند، خودشان سال‌هاست در جنبش مقابله با خشونت علیه زنان فعالیت می‌کنند.

اظهارات آن‌ها درباره تجربه آزار و خشونت در دوران بازداشت آشکارا نشان می‌دهد که از خشونت و آزار جنسی برای تحقیر، ایزوله کردن، تهدید، ارباب، کنترل و تحمیل قدرت بر این زنان استفاده می‌شود. این آزارها به خصوص برای مجازات آن‌ها به دلیل

جسارت و شجاعت در به چالش کشیدن هنجارهای اجتماعی مردسالارانه انجام می‌شود. همچنین این آزارها با هدف جلوگیری از ادامه کنشگری زنان مدافع حقوق بشر صورت می‌گیرد، و این‌که وضعیت‌شان درس عبرتی شود برای کسانی که می‌خواهند فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی داشته باشند.

خود مصاحبه‌شوندگان نیز نظرات و احساس مشابهی درباره دلایل آزار مطرح کردند.

رزا از ایران می‌گوید: «می‌خواهند به واسطه جنسیت تحقیرت کنند و تو را زیر سوال ببرند تا تضعیف، منفعل و «غیرسیاسی» شوی. از طرفی هم می‌خواهند با تحمیل ایدئولوژی جنسیتی‌شان رامت کنند و از تو زن خانه و خانواده بسازند. هم می‌خواهند تهدیدهای احتمالی را از نظام سیاسی‌شان دفع کنند و هم خطری را که از سمت تو متوجه تصویر زنانه تبلیغاتی‌شان است، خنثی کنند.»

مایا از مصر معتقد است مسئله آزار سیستماتیک زنان بازداشت‌شده از زمان انقلاب مصر شروع شد، و فراتر از زنان کنشگر به زنان معمولی معترض هم گسترش یافت. او می‌گوید: «نیروهای امنیتی از آزار به عنوان سلاحی علیه زنان تظاهرات‌کننده استفاده می‌کردند و این راهی بود که به زنان اجازه ندهند وارد فعالیت‌های اکتیویستی شوند. آن‌ها همچنین می‌خواهند با این کار به بقیه زنان درس بدهند و آن‌ها را بترسانند. هیچ‌کس نمی‌خواست با من ارتباط داشته باشد چون می‌ترسیدند به همین سرنوشت دچار شوند.»

لارا از فلسطین معتقد است نیروهای امنیتی اسرائیل، این آزارها به صورت سیستماتیک انجام می‌دهند تا «فعالان فلسطینی را سرکوب کنند، چهره‌شان را خراب کنند، و آن‌ها را وادار به سکوت کنند. آن‌ها ما را دشمن می‌دانند و از طرفی هم می‌دانند که رهایی از تروما و تبعات آزار جنسی بسیار دشوارتر از هر چیز دیگری است.»

خاتون از سودان می‌گوید: «از خشونت جنسی به عنوان یک ابزار جنگی استفاده می‌کنند. چون با موضوع ناموس، شرمساری و مالکیت بدن زنان توسط قبایل، خانواده و جامعه در ارتباط است. در جامعه سودان معمولاً زنان فمینیست را کافر می‌دانند و فعالان زنان را هم کلاً نادیده می‌گیرند.»

لیلا از بحرین توضیح می‌دهد که آزار جنسی زنان مدافع حقوق بشر، با هدف انتقام از آن‌ها صورت می‌گیرد. او می‌گوید که این کار را می‌کنند «تا من و دیگران دست از مطالبه حقوق مان برداریم. من مثالی برای تهدید و ترساندن بقیه می‌شدم که اگر می‌خواهند حقوقشان را بگیرند زندان می‌افتند و کتک می‌خورند و مثل من مورد تعرض جنسی قرار می‌گیرند. از این طریق پیغام نفرت را به بقیه منتقل می‌کنند.»

رغد از مصر هم می‌گوید: «این کار را می‌کنند تا از لحاظ روانی زنان را خرد کنند تا نتوانند هیچ کاری کنند. همه این آزارها به صورت سیستماتیک صورت می‌گیرد.»

هشت: تبعات و عواقب آزار جنسی بر زنان مدافع حقوق بشر

آزارها و خشونت‌های جنسی و جنسیتی و شرایط غیرانسانی که زنان مدافع حقوق بشر در دوران بازداشت تجربه کرده بودند، تأثیرات عمیق و طولانی بر سلامت جسمانی و روانی آن‌ها و همچنین بر سبک زندگی اجتماعی‌شان گذاشته است. این زنان در مصاحبه با فمنا از تأثیرات این آزارها بر سلامت روانی و جسمی و زندگی‌شان گفتند.

فرشته از افغانستان می‌گوید در دوران بازداشت مکانیسم دفاعی‌اش انکار بوده است تا از او مراقبت کند، اما بعد از آزادی تأثیرات دوران بازداشت را کاملاً احساس می‌کند. او می‌گوید: «هنوز دچار تروما هستم و خاطرات زندان به سراغم می‌آیند. جلسات تراپی را شروع کرده‌ام. برای اضطراب هم دارو مصرف می‌کنم. گاهی غش می‌کنم. وقتی در زندان بودم، در مرحله انکار بودم ولی الان انگار بدنم متلاشی شده است. تلاشم را می‌کنم که کم‌کم کارم را دوباره شروع کنم.»

لیلا از بحرین تأکید می‌کند که فراتر از آثار جسمانی شکنجه که در دوران بازداشت تحمل کرده بود و تا به امروز ادامه دارد، غلبه

بر تاثیرات روانی آن تجربه بسیار دشوارتر است «از جراحات بسیاری رنج می‌بردم بخصوص از دماغ شکسته‌ام که بزرگ‌ترین مدرک اثبات شکنجه‌ای است که تحمل کردم. دماغم در طول شکنجه شکسته بود. از لحاظ روانی همچنان رنج می‌برم و فکر نمی‌کنم هیچ‌وقت از بین برود. از تاریکی می‌ترسم چون تمام طول شکنجه و بازجویی چشم‌بند داشتم.»

تحقیر و آزار جنسی کلامی که رزا در دوران بازداشت تحمل کرده بود، رهایش نکرده است و با گذشت چند سال همچنان رفتارش را تحت تاثیر قرار داده است. رزا می‌گوید: «حس تحقیر و نفرت آن تخطی‌ها و فحاشی‌های جنسی تا به امروز رهایم نکرده و زنده است. اشاره‌ای به آن روزها، برای مدتی طولانی درگیرم می‌کند. علاوه بر این، آثار این فشارها را در تغییرات سبک زندگی پس از آزادی هم می‌شود دنبال کرد. قبل از بازداشت از احساسات و تجربه‌های شخصی‌ام می‌نوشتم و نه تنها برون‌گرا بلکه بی‌پروا بودم. اما بعد از آزادی احساس می‌کنم مدام رصدم می‌شوم و نمی‌خواهم چیزی از خودم بنویسم که اگر دوباره در بازجویی جلویم گذاشتند و توضیح خواستند اذیت بشوم. تمامی مکالمات خصوصی و شخصی‌ام را پاک می‌کنم. اصلا عکس شخصی و خانوادگی در گوشی نگه نمی‌دارم. مسئله ترس نیست، حس تحقیر و تهاجم به حریم شخصی است که واقعا منقلب‌کننده است.»

هانا از ایران توضیح می‌دهد که تجربه بازداشت و آزاری که تحمل کرده، تاثیر عمیقی بر او گذاشته است: «به لحاظ روانی آسیب‌های زیادی دیدم و برای مدتی حتی در انجام کارهای روزمره هم ناتوان بودم. اعتماد کردن به آدم‌ها برایم بسیار سخت شده است. دامنه روابطم را با دوستانم خیلی محدود کردم. قبلا راحت می‌خوابیدم، اما این هم از من گرفته شده. در طول روز گاهی حتی با شنیدن یک کلمه پرت می‌شوم به جلسات بازجویی.»

سحر از ایران هم می‌گوید: «در کمال سلامت جسمی و روانی بازداشت شدم. اما زمان آزادی روزی ۱۵ تا قرص اعصاب می‌خوردم که تجویز دکتر خود زندان بود. تا یک سال بعد از زندان مریض بودم و مرتب در حال عوض کردن دکترهای اعصاب و روان بودم. تا چند سال بعد هم روزی ۱۰-۸ تا قرص مصرف می‌کردم و تراپی می‌رفتم.»

بیان هم توضیح می‌دهد که برغم ترومای شدید در دوران بازداشت، توانسته است با اراده قوی در برابر برخی از تاثیرات این تجربه مقاومت کند «بعد از بازداشت اول، آگاهی از این‌که سبک زندگی‌ام می‌تواند بعدا ابزار فشار علیه‌ام شود، باعث شده بود که خیلی زندگی شخصی محافظه‌کارانه‌ای داشته باشم. در مهمانی و جمع‌های مختلطی که احتمال می‌دادم ممکن است پلیس سر برسد و کسی را بازداشت کند، ابدا شرکت نمی‌کردم. اما بعد از بازداشت دوم و تحمل چندسال زندان این احتیاط را ترک کردم، یعنی دیگر نمی‌خواستم بگذارم ترس از این اتهامات، مانع زندگی کردنم به عنوان یک زن جوان شود.»

علاوه بر دست‌وپنجه نرم کردن با آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از تحمل آزار و خشونت جنسی دوران بازداشت، برخی از زنان مدافع حقوق بشر، باید با این واقعیت مقابله کنند که دیگران - خانواده، دوستان و حتی همکاران - نگرش و رفتار خود را نسبت به آن‌ها تغییر داده‌اند. در نتیجه بسیاری از آن‌ها احساس انزوا و طرد شدن می‌کنند.

آیا از مصر بعد از آزادی از زندان باید با مسائل مربوط به سلامت روانی‌اش مقابله می‌کرد که با این واقعیت همراه شده بود که دوست‌پسرش هم رابطه‌اش را با او قطع کرده و خانواده‌اش هم او را طرد کرده بودند «دوست‌پسرم رابطه‌اش را با من قطع کرد چون از دستگیری‌ام ترسیده بود. خانواده‌ام هم کلا به خاطر امنیت خودشان تصمیم گرفتند از من دوری کنند.»

سمیه از مصر هم به جای این‌که توسط همکارانش حمایت شود، پس از آزادی از زندان طرد شد. او می‌گوید: «تعدادی از زنان اکتیویست و مدافع حقوق بشر گفتند که دیگر نمی‌خواهند با من ارتباط داشته باشند چون می‌ترسیدند به خاطر من زندانی شوند و این خیلی برایم ناراحت‌کننده بود. تجربه بسیار دشواری بود، هنوز از افسردگی رنج می‌برم و با گذشت چندسال هنوز به جلسات تراپی می‌روم.»

در حالی که تمرکز بیشتر تجربیات مطرح‌شده توسط زنان مدافع حقوق بشر در این بخش بر تروما و مسائل مربوط به سلامت روانی پس از بازداشت بود، بسیاری نیز در جریان مصاحبه از عواقب جسمی تجربیات دوران بازداشت از جمله خون‌ریزی واژینال، شکستگی استخوان، مشکلات کلیه و سیستم گوارشی، مشکلات سلامتی، و سایر مشکلات سلامتی ناشی از کمبود آب و غذا در دوران حبس صحبت کردند.

نُه: مقاومت و ایستادگی زنان مدافع حقوق بشر در مقابل خشونت‌های جنسی و مکانیسم‌های حمایت از آن‌ها

زنان مدافع حقوق بشر که برای این تحقیق با آن‌ها مصاحبه شده است، برغم مواجهه با محدودیت‌های شدید برای انجام فعالیت‌هایشان، و برغم تهدیدها و آزارهایی که قبل و بعد از دستگیری و بازداشت تجربه کرده‌اند، همانند بسیاری از هم‌تایان‌شان، دست از مبارزه برنداشته‌اند. گرچه برخی برای امنیت خود مجبور به ترک کشورهايشان شده‌اند، اما همچنان در تبعید هم به فعالیت ادامه می‌دهند و ارتباط‌شان را با همکاران کنشگر داخل کشور حفظ می‌کنند. آن‌هایی هم که در کشورهای خود مانده‌اند، همچنان از مبارزه برای بهبود وضعیت و شرایط زنان دست برنداشته‌اند.

قوانین و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، حق دفاع از حقوق بشر را به عنوان یک حق مستقل به رسمیت شناخته و از آن حمایت می‌کنند. در دسامبر ۱۹۹۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب [اعلامیه مدافعان حقوق بشر](#)، نقش مهم و حیاتی مدافعان حقوق بشر را به رسمیت شناخت که اغلب برای دفاع از حقوق بشر و ارتقای آن در معرض خطرات خاص و مضاعفی قرار می‌گیرند و برای حمایت از آنان نیاز به تدابیر مشخص و صریحی وجود دارد. اعلامیه مدافعان حقوق بشر مقرر می‌کند که دولت‌ها مسئولیت نهایی حفاظت از مدافعان، پیشگیری از نقض حقوق آن‌ها، و رسیدگی مؤثر به موارد آزار علیه آن‌ها را برعهده دارند و باید اطمینان حاصل کنند که مدافعان حقوق بشر می‌توانند فعالیت‌هایشان را در محیطی امن انجام دهند.

در سال ۲۰۱۴، مجمع عمومی سازمان ملل [قطعنامه ۶۸/۱۸۱](#) را درباره زنان مدافع حقوق بشر را تصویب کرد و به طور خاص خواستار به رسمیت شناختن نقش و مسئولیت حیاتی آن‌ها، و شناسایی خطرات ویژه‌ای که زنان مدافع حقوق بشر با آن مواجه می‌شوند، و همچنین لزوم حفاظت از آن‌ها شد. علاوه بر این، [گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور مدافعان حقوق بشر](#)، گزارش‌های موضوعی را ارائه کرده است که به خطرات و چالش‌های ویژه‌ای می‌پردازد که زنان مدافع حقوق بشر به خاطر جنسیت خود با آن مواجه می‌شوند. این گزارش‌ها در برجسته‌سازی، تأیید، و پرطنین کردن تجربیات زنان مدافع حقوق بشر و چالش‌هایی که با آن‌ها روبرو هستند، مفید است.

همچنین چندین نهاد و سازوکار در سطح منطقه‌ای برای حفاظت و حمایت بیشتر از مدافعان حقوق بشر وجود دارد. [اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن اسناد متعددی را در رابطه با مدافعان حقوق بشر به تصویب رسانده‌اند](#). علاوه بر این، [کمیساریای حقوق بشر در شورای اروپا نیز موظف است از فعالیت مدافعان حقوق بشر حمایت کند](#). سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) نیز یک مدافع حقوق بشر را عهده‌دار رصد چالش‌هایی کرده است که مدافعان حقوق بشر با آن مواجه می‌شوند، و در سال ۲۰۱۴ نیز [دستورالعمل ویژه‌ای برای حفاظت و حمایت مدافعان حقوق بشر اتخاذ کرده است](#).

برخی مکانیسم‌های حفاظتی منطقه‌ای نیز در قاره آمریکا، در [کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر و دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر](#) وجود دارد. در سال ۲۰۰۴، کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم، [قطعنامه‌ای را در مورد حمایت از مدافعان حقوق بشر در آفریقا](#) به تصویب رساند. طبق این قطعنامه، گزارشگر ویژه‌ای تعیین می‌شود که یکی از وظایفش، تدوین و ارائه راهبردهای مؤثر برای حمایت از مدافعان حقوق بشر است. از آنجایی که در نهایت دولت مسئول حفاظت از مدافعان حقوق بشر خود است، چندین کشور، به ویژه در آمریکای لاتین، اقداماتی را برای ایجاد مکانیسم‌های ملی ارائه اقدامات حفاظتی از مدافعان حقوق بشر و پیشگیری از نقض حقوق آن‌ها انجام داده‌اند، هرچند [نهادهای جامعه مدنی در این کشورها نسبت به کمبود منابع و اجرای مؤثر چنین مکانیسمی ابراز نگرانی کرده‌اند](#).

متأسفانه، در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا، کمبود شدید مکانیسم‌های ملی حفاظتی از مدافعان حقوق بشر وجود دارد، و خود دولت‌ها بزرگ‌ترین مرتکبان نقض حقوق و آزار مدافعان حقوق بشر هستند. در حقیقت، بسیاری از کشورهای دنیا و بخصوص در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا در عمل به تعهدات و وظایف خود در احترام و حمایت از حق دفاع مدافعان حقوق بشر کوتاهی می‌کنند.

ده. توصیه‌ها

انجام این تحقیق بدون همراهی و حمایت زنان مدافع حقوق بشر که تجربیات دشوار خود را با ما به اشتراک گذاشتند، امکان‌پذیر نبود، زنان شجاع و مقاومی که به‌رغم تحمل آزارهای گوناگون همچنان به فعالیت و تلاش برای دستیابی به حقوق انسانی برابر ادامه می‌دهند. فمنا با قدردانی از مقاومت زنانی که در مسیر دشوار برابری گام می‌گذارند، و به امید روزی که هیچ کنشگری در این منطقه به خاطر حقوق انسانی‌اش مورد سرکوب سیستم‌های امنیتی قرار نگیرد، توصیه‌های خود را به این شرح ارائه می‌کند.

دولت‌های منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا

- قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان و جامعه LGBTQIA را ملغی و اصلاح کنید.
- فعالیت برحق زنان مدافع حقوق بشر را به رسمیت بشناسید و به طور علنی از کار آن‌ها حمایت و شرایط را برای ادامه فعالیت‌هایشان تسهیل کنید.
- قوانینی را تصویب و اجرا کنید که زنان مدافع حقوق بشر را به رسمیت می‌شناسد و از آنان حمایت می‌کند، و قوانینی را که مانعی بر سر راه فعالیت‌های مشروع و به‌حق برای ترویج و دفاع از حقوق بشر، از جمله حقوق آزادی اجتماعات و تشکل‌های مسالمت‌آمیز، است، لغو یا اصلاح کنید.
- سیاست عدم مدارا با آزار و اذیت و آزار جنسی در نهادهای دولتی، به ویژه نهادهای امنیتی، پلیس و سیستم‌های زندان اتخاذ کنید و مرتکبان آزار را به طور جدی تحت پیگرد قانونی قرار دهید.
- به تهدیدها، حملات، آزار و اذیت و ارباب علیه مدافعان حقوق بشر به صورت جدی و موثر رسیدگی کنید. تحقیقات مستقل و سریع در موارد نقض حقوق بشر و آزار مدافعان حقوق بشر انجام دهید و مظنونان به ارتکاب آزار را در دادگاه محاکمه کنید.

جامعه بین‌المللی**پاسخ‌گویی در برابر نقض حقوق بشر:**

- سازمان ملل و دولت‌ها باید یک سیاست هماهنگ و یکسان حقوق بشری در قبال منطقه داشته باشند، و کلیه ناقضان حقوق بشر را به شیوه‌ای اصولی و منسجم پاسخگو کنند.
- ارتکاب خشونت و آزار و اذیت جنسی علیه زنان مدافع حقوق بشر توسط سیستم‌های امنیتی دولتی را با دقت رصد کنید، این موارد را گزارش دهید و به صورت علنی محکوم کنید.
- مرتکبان حکومتی خشونت جنسی علیه زنان مدافع حقوق بشر را به شدت بازخواست کنید و از آنان پاسخ بخواهید.
- اطمینان حاصل کنید که زنان مدافع حقوق بشر می‌توانند به طور ایمن با نهادهای حقوقی سازمان ملل متحد و همچنین سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری ارتباط برقرار کنند تا موارد نقض حقوق خود، از جمله خشونت‌های جنسی و جنسیتی، را گزارش دهند.
- اطمینان حاصل کنید که زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا می‌توانند با امنیت در برنامه‌ها و رویدادهای سازمان ملل درباره حقوق زنان و یا نقض حقوق زنان مدافع حقوق بشر شرکت کنند، و شرایط را برای حضور آن‌ها از طریق اختصاص هزینه‌های سفر و صدور سریع ویزا و ویزاهای چندبار ورود فراهم کنید.

تضمین فضای حامی و تسهیل‌گر:

- دولت‌ها را در قبال حمله به فعالیت‌ها و فضای مدنی پاسخگو کنید، و آن‌ها را تحت فشار قرار دهید تا به شیوه‌های مختلف شرایط را برای فعالیت مدافعان حقوق بشر، بویژه زنان مدافع حقوق بشر، تسهیل و فراهم کنند.
- از فشار و سرکوب و پس‌روی‌های بیشتر در زمینه حقوق زنان و حقوق بشر در عرصه بین‌المللی جلوگیری کنید تا زنان مدافع حقوق بشر که در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا در فضای خصمانه و دشوار فعالیت می‌کنند، بتوانند در شرایط بهتری به فعالیت ادامه دهند.
- از بسته شدن فضای مدنی بین‌المللی جلوگیری، و برای گسترش فضای مدنی در سطح بین‌المللی فعالانه اقدام کنید، از جمله اطمینان حاصل کنید که زنان مدافع حقوق بشر در برنامه‌ها و رویدادهای سازمان ملل می‌توانند حضور و مشارکت کامل داشته باشند.

حمایت و پشتیبانی اضطراری و فوری:

- برای حمایت فوری از زنان مدافع حقوق بشر که در معرض خطر هستند، بودجه اختصاص دهید.
- برنامه‌های اسکان در کشورهای امن را برای زنان مدافع حقوق بشر که در خطر شدید هستند و مجبور به ترک کشورهاشان شده‌اند، گسترش دهید.

- اطمینان حاصل کنید که سازمان‌های حامی زنان مدافع حقوق بشر به منابع مالی کافی دسترسی دارند، به ویژه سازمان‌هایی که نقش واسط را در حمایت از زنان مدافع حقوق بشر برای دسترسی به کمک‌های مالی اضطراری دارند.
- فرصت‌های موقت در اختیار زنان مدافع حقوق بشر بگذارید که در معرض خطر شدید هستند و باید برای پیشگیری از برخوردهای امنیتی به صورت موقت کشور را ترک کنند. این کار می‌تواند از طریق ارائه ویزا برای اسکان موقت و حمایت مالی انجام شود.
- از برنامه‌های خومراقبتی، تن‌درستی، و امنیت همه‌شمول برای زنان مدافع حقوق بشر در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا حمایت کنید، بویژه از آن‌هایی که در دشوارترین و خصمانه‌ترین شرایط موجود در برخی از این کشورها فعالیت می‌کنند.



- ✕ FemenaNet
- Instagram FemenaNet
- Facebook FemenaNet
- Globe Femena.net

فمنا از زنان مدافع حقوق بشر، سازمان‌ها و جنبش‌های فمینیستی در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا حمایت می‌کند. تمرکز ویژه فمنا بر کشورهای آسیایی است که فضا برای فعالیت جامعه مدنی محدود و یا بسته است و تلاش می‌کند تا درباره تأثیر محدودیت‌های فضای مدنی بر جنبش‌های مترقی فمینیستی و زنان آگاهی‌رسانی کند.

گزارش‌های وضعیت کشوری و منطقه‌ای فمنا، تحلیل سیاست‌ها و جریان‌های است که بر حقوق زنان تأثیرگذارند، بویژه جریان‌هایی که خواهان عقب‌گرد حقوق و جنبش زنان هستند.